

گزارش «شهروند» از فرهنگ، آداب و سنن کردهای ایران

کردستان از قدیم کردستان بود

امیر کریمی



سبک زندگی از جمله مفاهیم مدرن به شمار می آید که در سده گذشته و به ویژه پس از جنگ دوم جهانی مورد توجه ویژه قرار گرفت. این اصطلاح محصول جهان مدرن است که در آن با تضعیف متغیرهای ساختاری نظیر طبقه اجتماعی، انتخاب هاورفتارهای ذوقی و فردی مبنای شکل گیری هویت و هستی فرد قرار می گیرند. در دوره اخیر به واسطه اهمیت بیش از پیش «خود» و ظهور جامعه مصرفی، قدرت انتخاب و کنشگری افزایش یافته و تنوع در سبکهای زندگی به امری فراگیر تبدیل شده است. جامعه مصرفی در ایران نیز در حال گسترش و اهمیت مصرف و انتخاب سبکهای زندگی مختلف به ویژه در میان جوانان قابل توجه است. جوانان به صورت فعال در حال شکل دادن به سبکهای زندگی جدید برای خویش هستند و از سبکهای زندگی موجود و سنتی پیروی نمی کنند. استان کردستان یکی از استانهای کردنشین در غرب ایران است. اکثریت ساکنان این استان، کرد زبان هستند که به لهجه های مختلف تکلم می کنند. فرهنگها و سنتهای زیادی در جای جای این استان در میان مردمان کرد زبان وجود دارد و سبکهای زندگی متفاوتی را برای خود دارند. در این گزارش به سبک زندگی روستایی در مناطق شرقی استان کردستان می پردازیم. در زمان های قدیم روستاییان با سنتهای خود زندگی می کردند و این سنت های قدیمی در میان نسل جوان کمرنگ شده و سبکهای متفاوتی را برای خود ساختند اما نسل قدیم با وجود این که حتی محل زندگی را به شهرها منتقل دادند، باز همان سبک زندگی روستایی و فعالیت روزمره خودشان را فراموش نکردند و در کنار زندگی پر از سر و صدا و آلودگی شهرها به فعالیت هایی که سال ها با آن زندگی کردند، می پردازند. وقتی در کنار این افراد حضور پیدا می کنیم، ناخودآگاه به حال و هوای قدیم و گذشته برمی گردیم، وقتی که همه چیز سنتی و سالم و از این فضای صنعتی و ماشینی دور بود و زندگی در جامعه امروزی هم در بسیاری مواقع سبک زندگی متفاوتی را می طلبد.

در ادامه این گزارش با دو گفتگو بیشتر با سبک زندگی شرق کردستان آشنا خواهیم شد.

از سر گرمی های کودکی تا کار و شروع زندگی یک زن روستایی

می خواهیم با یکی از خانم های ساکن روستای حاجی بقی از توابع بخش مرکزی شهرستان دهگلان گفت و گویی داشته باشیم که از سبک زندگی که در روستا داشته، می گوید. خانم فرانت فرانت حسین پنهانی در روستا به دنیا آمده و دوران کودکی را هم در روستای چوچای دهگلان سپری و سال ها در روستای حاجی بقی بخش مرکزی دهگلان زندگی کرد و از زمان کودکی خود می گوید که بازی ها و سرگرمی های پرچمها هم با کمک کردن در کارهایی چون لباس شستن در رودخانه، رفتن دنبال بره و گوسفندان و کمک در دوشیدن گاو و گوسفندان و تور برای پختن نان آماده کردن سپری شد و کم کم بابت خود این کارها را انجام می دادند و این سرگرمی ها و فعالیت ها در زندگی شدند. خانم حسین پنهانی از مراحل ساخت اسباب و وسایلی که در زندگی لازم داشتند، می گفت و برای ما از روش و رسم و رسوم ساخت مشک برای کرگیری توضیح داد: برای ساخت مشک های طبیعی پوست بز را در میان یک مایع که از آب، نمک و آرد تهیه می شد به مدت دو هفته نگهداری می کردیم و چهار - پنج مرتبه این مایع تعویض می شد، بعد با آرد و نمک دوباره نگهداری می کردیم، سپس با یک گیاه مخصوص که در مناطق اورامانات رویش داشت (جفت) پخته می شد، بعد از آن که پوست کامل سیاه شد، در جلو آفتاب کاملاً باد می زدند و یک فرد متخصص، موها و ضایعات را از آن جدا کرده و با گیاه «جفت» مجدداً تم می کردند و یکی از خانم ها که کار بلد بود آن را می دوخت و بعد از ساخت دسته ها و نگهدارنده ها و سه پایه مخصوص، کار ساخت مشک به پایان می رسید و با ریختن ماست نخستین مشک برای کرگیری آماده بود. اما رسم آن زمان این بود که برای پرپرکت شدن یک سری اقدامات انجام می شد و آن گذاشتن یک اینده در زیر مشک بود و هفت دختر دم بخت از روستا می آمدند و هر کدام یک بار مشک را حرکت می دادند و عین کلمه ای که می گفتند این بود که آن شاهاله مشک شما پرپرکت باشد، بعد از این که صاحبخانه کر دو مرغ تهیه کرد، سهیم آن هفت دختر دم بخت را هم می فرستاد و دعای خیر برای آنان این بود که آن شاهاله سفید بخت شوند و دیگر مراحل ساخت و استفاده مشک به پایان می رسید.

ادامه گزارش را از زبان خود این شیرین کردستانی می خوانیم که سال های سال در روستا فعالیت کرد و الان در شهر هم بسیاری از این فعالیت ها را در خانه خود دارد و این زندگی بسیاری از زنان و مردان کردستانی است که سبک زندگی سنتی را بر زندگی ماشینی و صنعتی ترجیح می دهند.

ما در روستا کارهای زیادی را انجام می دادیم که جزو زندگی ما بود و همه در کنار هم خوش بودیم. فعالیت های که داشتیم بیشتر اوقات با همسایه ها و اهالی روستا انجام و کمتر کسی پیدا می شد که در این فعالیت ها مشارکت نداشته باشد. کمک به همدیگر در کارهایی همچون بافتن پشم گوسفندان بود و در اصطلاح کردی به این کار «گهل» یا «یاری بهاری» می گفتند و در میان مردان هم در خرمن کوبیدن و درو کردن وجود داشت. ماهیت این کار به این صورت بود کسی که نیروی کار کمتری داشت هیچ وقت کتله نمی ماند، همدیگر را کمک می کردند و این سبک زندگی در میان آنان یک اصل واحد بود.

در فصل بهار زنان و دختران به دشت ها می رفتند و گیاه های خوراکی تهیه می کردند. تهیه ظرف و ظروف های محلی و خشک کردن گیاهان دارویی از فعالیت های زنان در فصل بهار بود.

فصل بهار شروع فعالیت های کشاورزی و دامپروری برای مردان و پسران هم بود. صبح ها زنان سفره و غذای یک روز آنان را آماده می کردند و مردان تا شب به روستا بر نمی گشتند. کارهای داخل روستا بر عهده زنان بود.

در فصل تابستان و با درو شدن گندم، کار آرد کردن و نگهداری برای یک سال تهیه نان شروع می شد. تهیه گندم، دانه برای پخت غذاهای محلی زمستانی، خشک کردن میوه های تابستانی همچون گلابی، سیب و زردآلو برای مصرف زمستانی از فعالیت های تابستانی زندگی روستایی بود و الان هم این فعالیت ها در میان مردمان کردستان وجود دارد که همیشه اهل خانه با جمع شدن در کنار هم نسبت به انجام آن اقدام می کنند.

فصل پاییز، فصل جمع جوجور کردن کارها و آماده شدن برای یک زندگی زمستانی است. عمده کارهایی که توسط مردان و زنان انجام می شد، رسیدگی به وضع پشت باها و دیوارهای کاهگلی، ذخیره آذوقه برای سوخت بخاری و تور و ذخیره غذاهای محلی تهیه شده بود. همه چیز برای شروع زمستانی آرام و دلنشین مهیا می شد. شب نشینی با قامل و همسایه ها، تهیه غذاهای محلی در کنار بخاری نفتی و چوبی، بازی های خانگی در شب با برف بازی و اسکی روی یخ تپه ها از سرگرمی های زمستانی بود. صفا و صمیمیت آن قدر بود که هیچ وقت از این کارها خسته نمی شدند. امروزه سبک زندگی مردم با گذشته خیلی تغییر کرده، بسیاری از این فعالیت ها در میان قشر جوان کمرنگ شده و زندگی ماشینی و صنعتی براساس اعلام بانک جهانی، امروز متناسفانه اسراف یکی از آشنایندگی های زندگی ما است، بنابراین باید کاری برای بهادنت در زندگی به ازای هر نفر صد مترمکعب اعلام شده، در حالی که در ایران این رقم به دلیل استفاده



افتخار من پیروی از سنت های مادر است در استان کردستان بسیاری همچون خانم حسین پنهانی هستند که از این آداب و رسوم پیروی می کنند و از انجام این فعالیت ها لذت می برند، یکی از آنان خانم بهجت مرادی است که از آداب و رسوم و سبک زندگی سنتی پیروی می کند. او در وقت های بیکاری و فراغت به خصوص در زمستان اقدام به بافتن اهل خانواده خود می کند و اعتقادش بر این است هر فرد باید بتواند برای زندگی خود در حد توان تلاش کند و خودش کارهایش را انجام دهد.

این خانم بیش از ۲۰ سال است از روستا به شهر قروه مهاجرت کرده و معتقد است در جامعه ماشینی و صنعتی امروز هنوز سبک زندگی سنتی و قدیمی به قوت خود باقی است و در میان نسل جوان هم هستند کسانی که دوست دارند این آداب و رسوم هستند.

اهالی استان کردستان در همه مناطق همیشه با شرایط سخت و دشوار زندگی می کنند و از جمله استان هایی است که کمتر دچار تغییر در شیوه سبک زندگی شده و بسیاری از آداب و رسوم قدیمی هنوز هم در میان مردم رواج دارد. پوشش لباس محلی به سبک مردان کردستان از جایگاه ویژه ای برخوردار است و این یک فرهنگی غنی در میان زنان و مردان کرد زبان است که هویت و فرهنگ خود را حفظ کنند، از پوشش لباس محلی برخوردار باشند و در شادی ها و فعالیت های روزمره با این پوشش در اجتماع حضور پیدا کنند.

در بسیاری از مناطق کردستان سبک های زندگی متفاوت است اما در کلیات اهالی مناطق کردنشین غرب کشور صاحب یک فرهنگ غنی و آداب و رسوم مبتنی بر سنت های پیشینیان هستند. هرچقدر مردمان در سالم نگاه داشتن فرهنگ و آداب و رسوم خود کوشا باشند، کمتر دچار تغییر در سبک زندگی می شوند.

من بهجت مرادی نزدیک ۳۴ سال است که در شهر زندگی می کنم. از زندگی روستا دور شده ام اما مادر خودم هنوز زندگی در روستا را ترجیح می دهد و در آن جا زندگی می کند. در زندگی امروزی با این که امکانات فراوانی در اختیار داریم اما کمی سخت شده است. زندگی در قدیم ساده تر بود. از رسم و رسوم قدیم هنوز چیزهای باقی مانده است که من و بسیاری دیگر از زنان کرد زبان به آن پایبند هستیم مثل پوشیدن لباس کردی و سنتی من و اعضای خانواده ما به این که سال ها در شهر بودیم اما پوشیدن لباس کردی خود را حفظ کرده و هرگز حاضر نیستیم مدل لباس پوشیدن خود را تغییر دهیم. چون بسیار زیبا و پوشیده است و ما با این سبک و روش بزرگ شدیم و زندگی کردیم، نه تنها من بلکه اکثر زنان مثل من هستند، حتی در عروسی های امروزی هم این پوشش همچنان پا بر جا مانده است و مردان و زنان کرد در عروسی ها با می کنند. از بزرگترین لباس های محلی که در حضور پیدا بزرگتر قامل و انتخاب پدر و مادر صورت می گرفت، البته این رسم قدیم هنوز در بعضی از خانواده ها هست، چون اعتقاد دارند در این صورت اختلاف کمتری وجود دارد و خانواده ها در جریان ارتباط دختر و پسر هستند و از دواج فقط پیوند دوفر نیست، بلکه پیوند خانواده ها هم هست

مشاغل فراموش شده

دل های نازک ما و چینی های شکسته شده!

این شماره: چینی بندزن ها

بازاری هر بند یک قسران دریافت می کرد. اقامت چینی بندزن بستگی به تعداد چینی های شکسته اهالی داشت و معمولاً پس از سپری شدن ۱۰ تا ۱۵ روز محل خود را برای کار در محله ای دیگر ترک می کرد. از این لحظه به بعد چنانچه ظرف چینی خانواده ای می شکست بایستی تا دفعه بعد کیسه اش را باز می کرد و کمان و سندان و چکش و مفتول و خمیرهای بندزنی اش را بیرون می آورد. گاهی به کمک انگشتان پا و کف پا قطعه شکسته را کنار هم نگه می داشت و بعد دو طرف محل شکستگی را سوراخ می کرد و مفتول را از آن عبور می داد. در آخر هم در محل کوک زامیسه گی می زد (ترکیبی از آهک و سفیده تخم مرغ) تا محکم شود. آن زمان خبری از چسب های صنعتی نبود، هوا پاک تر و زمین تمیز تر بود. گاهی پیش می آمد که قسمتی از چینی شکسته گم می شد و استادکار از قطعات چینی های شکسته اش استفاده می کرد.

اگرچه بعد از پایان کارش قوری تعمیر شده شکل و شمایل عجیب و غریبی پیدا می کرد، اما آن قوری یا ظرف چینی مجدداً به خانه بازمی گشت و تا مدت های مدید مادر در آن جای خوش عطر خودش را دم می کرد و اهالی خانه در آن غذا می خوردند.

قدیم ترها یعنی بعد از این که کاسه ها و ظروف مسی در خانه کمتر شد، بخش عمده ای از ظروف منازل همانند کاسه، بشقاب، قوری و... از جنس چینی بود. این چینی ها به تلنگری بند بود و در اثر ضرباتی می شکست. زنان خانه در طول سال تکه های شکسته چینی را تا آمدن چینی بندزن نگه می داشتند. چینی بندزن هر از چند گاهی می آمد و در مدت کوتاهی اهالی محل متوجه مکان حضور وی که ممکن بود اندکی نسبت به سال گذشته تغییر کند، می شدند و ظروف چینی را برای ترمیم به نزد چینی بندزن می آوردند. این کار چینی بندزن بسیار ساده بود و شامل جعبه یا همان میز کار، مته، کمان کوچک (ابزار محرک برای چرخاندن سرشته)، چسب مخصوص و تسنمه های بسیار باریک و ظریف می شد. چینی بندزن، چینی های شکسته را تحویل می گرفت و به مرور یک به یک با کمان و مته محل های مورد نظرش را سوراخ می کرد، تکه های شکسته را با چسب مخصوص چینی می چسباند و با بندهای کوچک فلزی (تسنمه های فلزی باریک) ظروف را به هم وصل می کرد. پس از ترمیم هر یک از ظروف به ازای دسترنج آن مقاری گردو، بادام، گندم یا بعدها



آسایشگاه خیریه کهریزک آماده دریافت کمک ها و اجناس دست دوم نیکوکاران

جمع آوری اقلام دست دوم:
تهران: ۰۲۶-۶۳۰۹۱۸۳-۷
کرج: ۰۲۶-۶۳۰۹۱۸۳
بانوان نیکوکار: ۰۲۶-۶۳۰۹۱۸۳
@kahrizakchannel
www.kahrizak.com



موسسه خیریه کهریزک
آسایشگاه معلولین
و سالمندان کهریزک
استان تهران
مرکز نگهداری، درمان و آموزش معلولین
و سالمندان - غیردولتی، غیرانتفاعی، مردمی

اسراف می کنیم پس هستیم!

چرا فرهنگ قناعت را به فراموشی سپرده ایم

راه به جایی رسانده است که ایران به شاخصی برای مصرف گرایی و اسراف در بخش های مختلف تبدیل شود.

برخی کشورهای آفریقایی با اصلاح سیستم آبیاری خود توانستند راندمان آبیاری را تا ۸۰ درصد بالا ببرند. استانداردهای جهانی مصرف آب در بخش کشاورزی با آنچه در ایران اتفاق می افتد تفاوت بسیاری دارد. در کشورهای پیشرفته اروپایی به ازای هر مترمکعب آب کشاورزی دونیم کیلوگرم محصول کشاورزی تولید می شود؛ اما در ایران این رقم تنها ۰.۶ کیلوگرم است که حکایت از هدر رفت سرسام آور آب در زمین های کشاورزی دارد.

بر اساس اعلام بانک جهانی، امروز متناسفانه اسراف یکی از آشنایندگی های زندگی ما است، بنابراین باید کاری برای بهادنت در زندگی به ازای هر نفر صد مترمکعب اعلام شده، در حالی که در ایران این رقم به دلیل استفاده

نادرست از آب آشامیدنی برای شست و شوی خودرو، استحمام، آبیاری باغچه ها، لباسشویی و ظرف شویی حدود ۷۰ تا ۸۰ درصد بیشتر از الگوی جهانی آن است.

کارشناسان اقتصادی معتقدند اگر تنها ۱۰ درصد صرفه جویی در برق مصرفی خانوارها داشته باشیم می توانیم از محل صرفه جویی ها تخمیر ۸۰۰ مگاواتی در سال را اندازای کنیم و چنانچه هر خانوار ایرانی ۱۰ درصد در مصرف برق خانگی صرفه جویی کند، دولت سالانه ۵۰۰ میلیون دلار بیشتر نفت و گاز صادر می کند.

باید فکری کرد، باید کم به فکر تغییر سبک زندگی مان باشیم، امروز متناسفانه اسراف یکی از واقعیت های زندگی ما است، بنابراین باید کاری برای فرزندانمان انجام دهیم و حق زندگی را از آیندگان دریغ نکنیم.